

مصاحبه با برادر بهزاد
نبوی پیرامون فعالیت های
سناد بسیج اقتصادی و
برنامه های اقتصادی آینده

سناد بسیج اقتصادی

نهادی جوشیده از جنگ

هستند که ملتشان مسلمان و دولتها هم دولت های مسلمانی هستند. البته این بدان مفهوم نیست که از حکومت اسلامی برخوردارند. با این قبیل دولتها روابطمان باید دوستانه باشد، و لازم است روابطمان با آنها از نظر سیاسی و به تبع آن در روابط اقتصادی هم تا جایی که زمینه وجود داشته باشد گسترش پذیرد و در این خصوص اگر لازم باشد حتی امتیازهای ویژه ای هم به یکدیگر بدهیم که البته در رابطه دوستی و مودت این مسئله صحیح و درست است، در رابطه با دسته اول امتیاز دادن مطرح نیست همه، چیز به همه تعلق دارد. فرضا اگر در کشوری حکومت اسلامی برقرار شود (انشاء الله بزودی در عراق حکومت اسلامی مستقر می شود) دیگری بین ما مرزی وجود نخواهد داشت و مسئله بودجه جداگانه و مسئله امکانات جداگانه مطرح نیست همه با هم از همه چیز بهره مند خواهند شد ولی با دولتهایی که روابط دوستانه داریم. سیستم های حکومتی متفاوت است طبعاً مسئله مرز مطرح است و در نوع رابطه اقتصادی و سیاسی منافع طرفین در نظر گرفته میشود و در مواردی هم ممکن است امتیازی هم از سوی طرفین داده شود.

دسته سوم دولتهایی هستند که رابطه ما با آنها عادی است نوع وابستگی اینها با غرب یا شرق بگونه ای نیست که اینها را به صورت خصم انقلاب اسلامی در آورده و در مقابل جمهوری اسلامی قرار داده باشد روابط اقتصادی ما با این دسته دولتها بر اساس نیازها و ضرورت های جمهوری اسلامی و با توجه به منافع و مصالح اسلامی تنظیم خواهد شد. از آنجا که بسیاری از نیازهای ما از طریق واردات تامین میشود و نفت ما باید به بازارهای جهانی صادر شود تا بتوانیم نیازهایمان را از این طریق تامین کنیم بالاچاره می بایست روابط خارجی اینگونه کشورها که یا وابسته به غرب هستند یا شرق، و یا در خط یکی از اینها حرکت می کنند داشته باشیم و به اعتقاد من با در نظر گرفتن منافع



* اساس رابطه جمهوری اسلامی در بعد اقتصادی می بایست تامین نیازهای و مایحتاج جمهوری اسلامی و ایجاد بازار فروش برای کالاهای صادراتی جمهوری اسلامی

باشد

سناد بسیج اقتصادی با شروع جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی به منظور تامین نیازهای اساسی مردم و توزیع و فروش کالا بوجود آمد و تا کنون تلاشهای زیادی در زمینه توزیع عادلانه کالا در سطح کشور انجام داده است پیرامون خط مشی اقتصادی جمهوری اسلامی و فعالیتها و مشکلات این سناد و هم چنین برنامه های آینده آن گفتگویی با برادر بهزاد نبوی سرپرست سابق سناد بسیج اقتصادی و وزیر صنایع سنگین داشتیم به امید اینکه تلاش این برادرانمان در جهت برپایی نظام عدل و قسط هرچه زودتر به ثمر نشیند صحبت مان با برادر نبوی را با این سوال که خط مشی اقتصادی و سیاسی و ارتباط این خط مشی با داد و ستدهای جمهوری اسلامی با کشورهای ژاپن، آلمان غربی و بلوک شرق کشورهای اسلامی به چه صورت است؟ شروع می کنیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

قسمت اول سوال مربوط به رابطه بین خط مشی اقتصادی و سیاسی یک کشور است، اینطور استنباط می کنم که اگر ما با یک کشوری رابطه سیاسی برقرار می کنیم رابطه اقتصادی به تبع آن چگونه باید گسترش پیدا کند، و یا اگر با کشوری روابط سیاسی برقرار می کنیم رابطه اقتصادی به تبع آن چگونه باید گسترش پیدا کند و یا اگر با کشوری روابط سیاسی ما ضعیف است روابط اقتصادی به تبع آن چگونه باید بشود؟ بطور کلی ما می توانیم دولتهای جهان را به ۵ دسته تقسیم کنیم. دسته اول دولتهایی هستند که در آنها انقلاب اسلامی به وقوع پیوسته و حاکمیت اسلامی در آن برقرار شد طبعاً روابط ما با آنها چه به لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی رابطه ای برادرانه است و دیگر مرزی بین ما و آنها انشاء... وجود نخواهد داشت.

دسته دوم دولتهایی هستند که رابطه ما با آنها دوستانه هست و یا خواهد بود، این دولتها دولتهایی

همچنین کاری صورت نگرفته است.

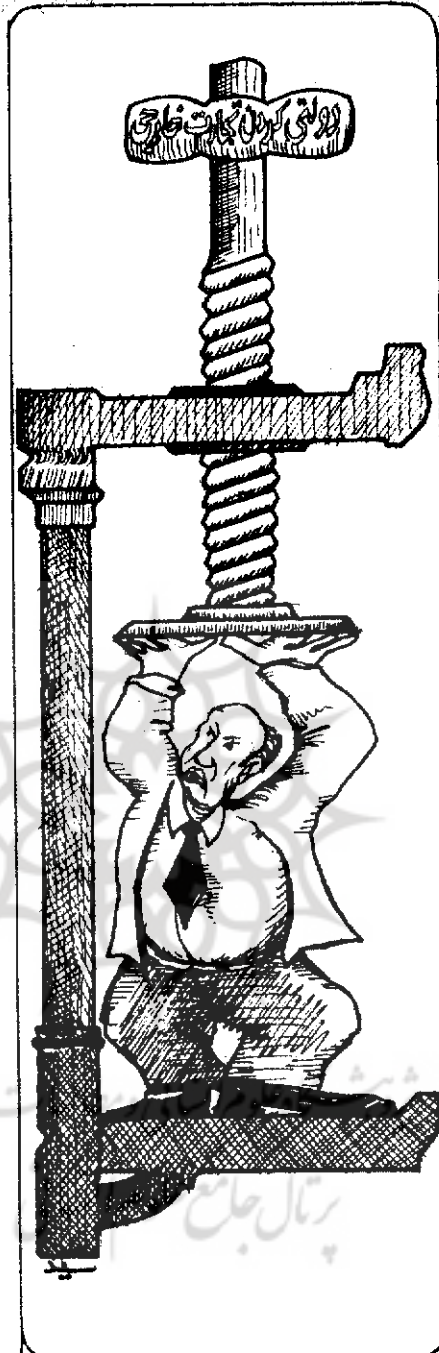
س - بدین ترتیب اساس رابطه به چه شکل میشود؟

اگر صرفاً از بعد اقتصادی در نظر بگیریم اساس رابطه جمهوری اسلامی می بایست تامین نیازها و مایحتاج جمهوری اسلامی و ایجاد بازار فروش برای کالاهای صادراتی جمهوری اسلامی باشد. بر مبنای ملاحظات سیاسی که گفتیم یعنی هر چه دولت به لحاظ ایدئولوژیک - سیاسی، معیارهای مکتبی به ما نزدیکتر باشد روابط گسترده تر و هر چه دورتر باشد بر اساس همان تقسیم بندی که کردیم دورتر میشود حتی در جاهایی میرسد که ما منفعت اقتصادی داریم ولی به دلیل معیارهای مکتبی منفعت اقتصادی را زیر پا بگذاریم. به عنوان مثال ما با آفریقای جنوبی که قادر است کالاهایی را به ما بدهد که برای ما هم منافی را در بردارد و ارد معامله نمیشود.

س: در مورد تجارت خارجی و اینکه واردات کالا برای سه یا چهار سال بخش خصوصی و تعاونی گرفته و بدست مراکز خرید سپرده شود نظر شما چیست؟ برنامه های عملی این طرح به چه صورت است و این مراکز چگونه اداره میشود؟

ج: در مورد قسمت آخرش اطلاع دقیقی ندارم. به اعتقاد من دولتی کردن تجارت خارجی یک امر بسیار پیچیده و حساس است و اگر با دقت و توجه کافی و برنامه ریزی کافی پیش نرود ممکن است نتایج بسیار بدی به بار آورد که اصل دولتی کردن تجارت خارجی را زیر سوال بکشد و ما باید تمام تلاشمان را بکنیم و حداکثر دقت را به خرج دهیم تا خدای ناکرده چنین مشکلی پیش نیاید.

شما می دانید که بعضی از آنها که منافشان از تجارت خارجی کوتاه شده بعید نیست که بخواهند ما را در این چنین چاله هایی بیاندازند هر سال صدها هزار قلم کالا در انواع مختلف، مصارف مختلف بازارهای متفاوت توسط ۱۲ هزار تاجری که کارت بازرگانی داشته اند و یک سری هم توسط بخش دولتی وارد این مملکت میشده است، طبیعی است که وارد کردن همه این صدها هزار قلم کالا توسط دولت در صورت عدم وجود برنامه ریزی کافی و مناسب می تواند نابسامانیهای زیادی انجام کند. برای اینکه دچار چنین مشکلی نشویم، بایستی کالاها را طبقه بندی و تقسیم بندی کرده و در مرحله اول بدنبال کالاهایی برویم که وارد کردنش نیاز به تخصص چندان و تبحر خیلی زیاد نداشته باشد ثانیاً از نظر حجم ارزش ریالی و دلاری از میزان قابل ورق برزید



*** خط اقتصادی جمهوری اسلامی در جهت پیاده کردن اقتصاد اسلامی مولدین شرعی حمایت از مستضعفان است و ایندو با هر چه در دسترس قرار دارد**

جمهوری اسلامی روابط اقتصادی را با این دسته از دولتها میتوانیم گسترش بدهیم. و در مورد این دسته از کشورها مسئله دادن امتیاز مطرح نیست. دسته چهارم دولتهای خصم جمهوری اسلامی هستند که ابرقدرتها و قدرتهای استعماری جهان در این طیف جای می گیرند. از آنجا که انقلاب مایک انقلاب به مفهوم واقعی نه شرقی نه غربی است و مبتنی بر یک فرهنگ اصیل و جدیدی است که می رود تا در جهان حاکمیت پیدا کند طبیعتاً ابرقدرتها چه شرقی و چه غربی و قدرتهای استعماری جهان کمر به نابودی انقلاب اسلامی بسته اند و اینها خصم انقلاب هستند روابط اقتصادی ما با اینها تنها در حد نیاز و ضرورت گسترش پیدا می کند آنها در صورتیکه امکان تهیه آن نیازمندیها از سایر منابع امکان پذیر نبوده یا برای جمهوری اسلامی ضررهای زیادی را در برداشته باشد. در واقع به لحاظ شرعی این کشورها شامل احکام ثانویه میشوند. دسته پنجم دولتهای محاربی هستند که بالفعل در محاصره با جمهوری اسلامی قرار دارند در واقع کشورهای همانند آمریکا، اسرائیل، آفریقای جنوبی، افغانستان، اردن، مصر، مراکش و دولتهای اینچنین که رودرو انقلاب اسلامی ما ایستاده اند که هر روز دست اندرکار توطئه ای بر علیه انقلاب اسلامی هستند یا بر علیه ملت های مسلمان ما که پاسداری از حقوق آنها را وجه همت خودمان قرار داده ایم. فرض کنید آفریقای جنوبی ممکن است با ما کاری نداشته باشد ولی ظلمی که برخلاف مستضعف آفریقای کند ما را بران واهی دارد که به هیچ وجه رابطه ای با آنها نداشته باشیم و یا به عنوان مثال افغانستان ممکن است حتی اگر ما بکرونی خوشی به دولتش نشان بدهیم رابطه خیلی خیلی خوبی برقرار بکنند ولی ما نمی توانیم شاهد این باشیم که برادران افغانی، مجاهدین افغانی در مسلخ باشند زیر توپ و تانک و هلی کوپترها و موشکهای ارتش وابسته افغان باشند ولی ما را رابطه مان را با دولت افغان گسترش بدهیم طبیعی است رابطه با آنها رابطه محاربه است ولو اینکه با اینها جنگ رسمی نداشته باشیم، پس با این دسته ما هیچ نوع رابطه ای نباید برقرار کنیم و اساس دولت جمهوری اسلامی هم همیشه همین جور بوده است بر مبنای همین فرمول کلی شما می توانید بررسی کنید زاین و بسیاری از دولتهای غربی در دسته سوم و کشورهای بلوک شرق می توانند در دسته سوم جای بگیرند کشورهای مسلمان نشین منطقه یک درجه از این ها بالاترند، چون باید دقت بکنیم که گرچه بین دولتهای یک کشور مسلمان نشین و یک کشور کمونیستی و یا یک کشور سرمایه داری به لحاظ نوع وابستگی اش اختلاف چندانی نباشد ولی در میان ملتها اختلاف هست و همین اختلاف در ملتهاست که ما را بر این میدارد که در گسترش روابطمان با کشورهای دسته سوم اینها را یک درجه بالاتر بدانیم ولی لز آنجا که ما با دولتهای طرف معامله هستیم نباید امتیاز ویژه ای که به نفع جمهوری اسلامی نباشد بدهیم و تا بحال

شو تا آثار تورم و گرانی و مشکلات ناشی از این مهم برطرف بشود.

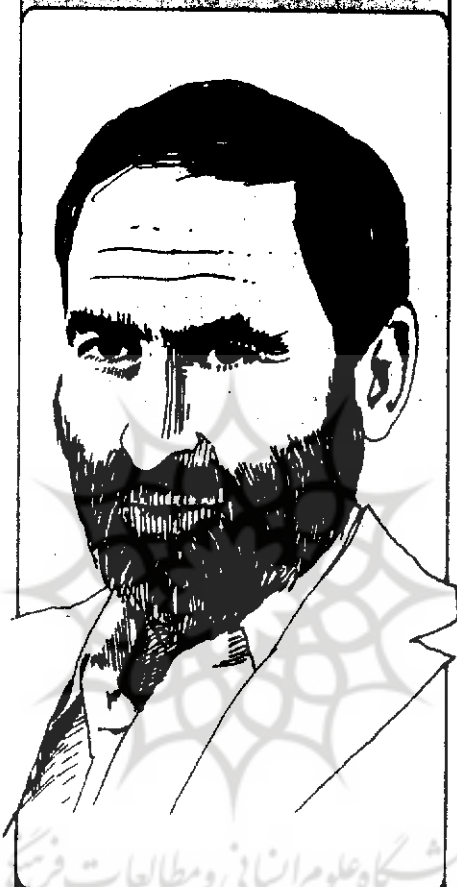
س: شوراها و مساجد و تعاونیها در امر توزیع چه نقشی دارند؟

شوراها و مساجد عمدتا ناظر هستند کار تعاونیهای مصرف را تأیید نمی کنیم مگر در محلاتی که فروشنده های جزء وجود ندارند زیرا کار تعاونیهای مصرف سبب تختة شدن کاسی فروشندهگان جزء میشود. و ما مخالف این هستیم فروشندهگان جز را اکثرا ادمهای صالح و سالمی می دانیم و معتقدیم که اگر در یک سیستم کنترل شده، جنس بدست آنها برسد، گران فروشی، تقلب و تزویر در میانشان بسیار کم است، و اگر بعضا کالاهای گران از مغازه ها بدست میرسند بخاطر دستهای قبلی است، که جنس را گرانتر عرضه کرده اند لذا در سیستم توزیع ما به تعاونیهای مصرف خیلی توجه نداریم و سیاست دولت هم در این جهت رشد تعاونیهای مصرف نیست. مساجد و شوراها هم نقش ناظر در توزیع دارند که انشاء... در سراسر مملکت این نظارت مردمی خود بخود ایجاد بشود بدون اینکه دولت بخواهد چنین کاری بکند خود مردم ناظر برکارها باشند.

س - در رابطه با برنامه های آینده ستاد بسیج اقتصادی اگر توضیحی دارید بفرمائید؟

ج ستاد بسیج در ترکیب جدیدش برنامه ریزیهای دارد البته بعضی از این برنامه ریزیها هنوز وارد عمل نشده که انشاءالله بزودی راه خواهد افتاد و همینطور که اطلاع دارید ستاد بسیج اقتصادی اصولا یک نهاد معلول جنگ و بحران اقتصادی است ما آرزوی رسیدن روزی را داریم، که اقتصاد این مملکت به روال عادی خود برگردد و ستاد بسیج اقتصادی بتواند کارش را تعطیل بکند. ولی باتوجه به جنگ تحمیلی و خسارتهای ناشی از جنگ، بازسازی مناطق جنگی، بحران اقتصادی که حداقل دوسال بعد از جنگ نیز خواهیم داشت پیش بینی ما این است که ستاد بسیج اقتصادی تا دوسه سال باقی خواهد ماند و باید باقی بماند و باید نقش بسیار فعالتری از گذشته ایفا کند. از کارهایی که ستاد بسیج اقتصادی در این مرحله انجام دهد تولید و تدارک کالاهای اساسی در جامعه است و کمیته ای به این منظور تشکیل شده است. ما هم اکنون در یک مرحله بحرانی بسر می بریم مواد اولیه کارخانجات معمولا کم است تولید داخلی در سطح پایین قرار دارد، میزان تولید داخلی و میزان واردات و مشخص کردن سهم بخش های مختلف در زمینه تولید واردات مسائلی از این قبیل بایستی حتما در یک جامعه بررسی قرار گرفته و براساس آن برنامه ریزی بشود و متأسفانه ما تا بحال نهایی

توجهی برخوردار باشد در ضمن از کالاهای مهم مورد نیاز مردم باشد. لذا برای دولتی کردن کالاهای در نظر گرفتن این سه شرط ضروری است
همچنین لازم است سراغ مواد غذایی اصلی که هنوز در اختیار دولت نیست، برویم چرا که این کالاهای مهم پرجمع است و بر قیمت و هم کالای اساسی و مورد نیاز جامعه است، این کار بسیار ضروری است و با انجام آن باری از دوش مردم برداشته میشود و بتدریج که تجربه بیشتری کسب کردیم و خوره تر شدیم به سراغ بخش های دیگر برویم نکته دیگری که می بایست بدان اشاره کنم زرمه هایی است که این اواخر از جانب بعضی ها شروع شده است که بازرگانی خارجی دولتی است و بازرگانی داخلی دولتی نخواهد بود که من هم این را قبول دارم ولی این بدان معنی نیست که دولت تیر آهن را وارد کند و سپس تحویل همان تاجر وارد کننده بدهد و او هم برود از طریق همان شبکه ای که خودش داشته است، توزیع کند اینجا اساس بر این است که آن تاجر وارد کننده که یک واسطه غیر ضروری است و مبادله چرخشی می کند، حذف شود وقتی دولت جای او را گرفت دیگر محلی از اعراب ندارد در اینجا اولاً لازم است که دکانداران و فروشندهگان جزء تشکیل تعاونی بدهند و ثانياً وزارت بازرگانی آنها را در اختیار تعاونیها قرار بدهد و از طریق تعاونیها بین اعضا توزیع گردد در غیر این صورت این تنها زحمتی است، برای دولت که می بایستی متحمل حمل و نقل و خسارت و بیمه... گردد، و راحتی برای تاجر که جنس را صحیح و سالم دربندر تحویل بگیرد و داشتن چنین تصویری از دولتی کردن تجارت خارجی برداشت غلطی از این امر مسلم می باشد.



توجهی برخوردار باشد در ضمن از کالاهای مهم مورد نیاز مردم باشد. لذا برای دولتی کردن کالاهای در نظر گرفتن این سه شرط ضروری است
همچنین لازم است سراغ مواد غذایی اصلی که هنوز در اختیار دولت نیست، برویم چرا که این کالاهای مهم پرجمع است و بر قیمت و هم کالای اساسی و مورد نیاز جامعه است، این کار بسیار ضروری است و با انجام آن باری از دوش مردم برداشته میشود و بتدریج که تجربه بیشتری کسب کردیم و خوره تر شدیم به سراغ بخش های دیگر برویم نکته دیگری که می بایست بدان اشاره کنم زرمه هایی است که این اواخر از جانب بعضی ها شروع شده است که بازرگانی خارجی دولتی است و بازرگانی داخلی دولتی نخواهد بود که من هم این را قبول دارم ولی این بدان معنی نیست که دولت تیر آهن را وارد کند و سپس تحویل همان تاجر وارد کننده بدهد و او هم برود از طریق همان شبکه ای که خودش داشته است، توزیع کند اینجا اساس بر این است که آن تاجر وارد کننده که یک واسطه غیر ضروری است و مبادله چرخشی می کند، حذف شود وقتی دولت جای او را گرفت دیگر محلی از اعراب ندارد در اینجا اولاً لازم است که دکانداران و فروشندهگان جزء تشکیل تعاونی بدهند و ثانياً وزارت بازرگانی آنها را در اختیار تعاونیها قرار بدهد و از طریق تعاونیها بین اعضا توزیع گردد در غیر این صورت این تنها زحمتی است، برای دولت که می بایستی متحمل حمل و نقل و خسارت و بیمه... گردد، و راحتی برای تاجر که جنس را صحیح و سالم دربندر تحویل بگیرد و داشتن چنین تصویری از دولتی کردن تجارت خارجی برداشت غلطی از این امر مسلم می باشد.

توجهی برخوردار باشد در ضمن از کالاهای مهم مورد نیاز مردم باشد. لذا برای دولتی کردن کالاهای در نظر گرفتن این سه شرط ضروری است
همچنین لازم است سراغ مواد غذایی اصلی که هنوز در اختیار دولت نیست، برویم چرا که این کالاهای مهم پرجمع است و بر قیمت و هم کالای اساسی و مورد نیاز جامعه است، این کار بسیار ضروری است و با انجام آن باری از دوش مردم برداشته میشود و بتدریج که تجربه بیشتری کسب کردیم و خوره تر شدیم به سراغ بخش های دیگر برویم نکته دیگری که می بایست بدان اشاره کنم زرمه هایی است که این اواخر از جانب بعضی ها شروع شده است که بازرگانی خارجی دولتی است و بازرگانی داخلی دولتی نخواهد بود که من هم این را قبول دارم ولی این بدان معنی نیست که دولت تیر آهن را وارد کند و سپس تحویل همان تاجر وارد کننده بدهد و او هم برود از طریق همان شبکه ای که خودش داشته است، توزیع کند اینجا اساس بر این است که آن تاجر وارد کننده که یک واسطه غیر ضروری است و مبادله چرخشی می کند، حذف شود وقتی دولت جای او را گرفت دیگر محلی از اعراب ندارد در اینجا اولاً لازم است که دکانداران و فروشندهگان جزء تشکیل تعاونی بدهند و ثانياً وزارت بازرگانی آنها را در اختیار تعاونیها قرار بدهد و از طریق تعاونیها بین اعضا توزیع گردد در غیر این صورت این تنها زحمتی است، برای دولت که می بایستی متحمل حمل و نقل و خسارت و بیمه... گردد، و راحتی برای تاجر که جنس را صحیح و سالم دربندر تحویل بگیرد و داشتن چنین تصویری از دولتی کردن تجارت خارجی برداشت غلطی از این امر مسلم می باشد.

س - پس مشخص شد که دولت برنامه هایی در رابطه با توزیع کالاهای وارداتی خود دارد.

ج: کالاهایی که دولت وارد می کند باید در یک سیستم کنترل شده باشد منتها توجه داشته باشید سیستم کنترل شده مفهومی سیستم دولتی نیست. بعضی ها دولت را متهم می کنند که شما توزیع را دارید دولتی می کنید در حالیکه اگر دقت کرده باشید تاکنون هیچ چیز توزیع دولتی نشده است توزیع همیشه توسط پیشه وران جزء و خرده فروشان صورت گرفته است. توزیع دولتی مربوط به کشورهای کمونیستی است که بقال و قصاب سقط فروش همه کارمند دولت هستند در صورتیکه جمهوری اسلامی چنین قصدی ندارد. لیکن برای کنترل توزیع کالاهای وارداتی و همچنین کالاهای اساسی که در داخل تولید میشود بطریقی که گفته شد لازم است طبق یک سیستم و یک روال و طبق نظارت جمهوری اسلامی انجام

اینچنین نداشتیم. نهادهای نداشتیم، که اگر تولید یک محصول در داخل تقلیل پیدا کرد برود دنبالش و مشکل این بخش تولیدی را در داخل حل کند و از این طریق سطح تولید داخلی را بالا ببرد تا نیاز به واردات تقلیل یابد.

از طرفی عدم وجود انسجام و هماهنگی بین وارد کننده و تولید کننده خصوصا باتوجه به شرایط جنگی سبب میشده است تا یک کالای اساسی مورد نیاز فرضا لنت ترمز هم اکنون در بازار بشدت نایاب شود. کالایی مهم و مورد نیاز که اگر نباشد حمل و نقل ما متوقف میشود و کارخانه داریم که میتواند ۵۰٪ تولید داخلی را تامین کند متأسفانه چون برنامه ریزی نشده است دچار کمبود ارز است و کارش در شرف تعطیلی است و ماناچاریم که یک دفعه مقدار زیادی لنت ترمز یا هواپیما از خارج وارد کرده و ارزی بیشتری خارج کنیم. و یا اینکه مجبوریم، در این زمینه از پیش برنامه ریزی کنیم.

کمیته جدید دیگری که در کنار ستاد بسیج اقتصادی شروع به فعالیت کرده است کمیته کالا رسانی به روستاست. تلاش ما این است که به کمک برادران جهاد که سرپرستی این کمیته را به عهده دارند مسئله کالا رسانی به روستاها را به نحو شایسته ای حل کنیم. کاری که قبل از انقلاب هرگز انجام نشده و تازه بعد از جنگ به همت برادران جهادی و برادران سازمان تعاون امور روستاها تا حدودی توانسته است کالاهایی که سابقا در دسترس روستائیان قرار نمی گرفت. را به روستاها برساند. این کار از دو جهت مفید است یکی اینکه رفاه بیشتری برای روستاهای ما فراهم می کند و دوم اینکه ارتباط روستایی را به شهر کمتر کرده در نتیجه جذب آنها به شهر را کاهش میدهد. کمیته جدیدتری هم که تشکیل شده کمیته نظارت بر نرخ و توزیع کالاهای اساسی است که ما تلاش می کنیم، با اهرمها و امکاناتی که در اختیار دولت است جلوی تقلبات صنفی، گران فروشی و فروش کالای سهمیه بندی شده بطور قاچاق را بگیریم. اهرمهایی هم که در اختیار دولت است روشن است فرض کنید شما به ما گزارش دهید یک قنادی شیرینی اش را گرانتر از نرخ معمول میفروشد ما بلافاصله سهمیه قند و شکر و روغن نباتی اش را قطع میکنیم و بدین ترتیب او مجبور میشود که از سیاستهای قیمت گذاری دولت که امر حق هم هست، تمکین کند.

گرچه قیمت گذارها به گونه ای است که برای او هم سود دارد ولی بعضی ها طمع میکنند. اینها برنامه های آینده و برنامه های جدید ستاد بسیج اقتصادی است علاوه بر آن روی توزیع کالاهای اساسی به شدت حساسیت داریم و تاکیدمان بر این است در شرایط جنگ و بحران اقتصادی حداقل نیازمندیهای مردم را با قیمت ثابت در اختیارشان بگذاریم و خوشوقتیم که در این زمینه موفقیتهای شایسته ای هم بدست آورده و توانستیم نرخ تورم ۲۲/۵٪ سال ۵۹ را، به ۲۲/۵٪ در سال ۶۰ تنزل بدهیم باتوجه به این نکته که در سال ۵۹ مافقط ۶ ماه درگیر جنگ

بودیم و بخاطر محدودیت ارزی از نیمه دوم سال ۶۰ جلوی واردات بشدت گرفته شد. در نتیجه اجناس خارجی در بازار بشدت گران شد علیرغم این مسئله توانستیم نرخ تورم را ۱٪ پایین بیاوریم ما این سیاست را علیرغم تمام فشارهای سیاسی که ممکن بود بردولت وارد شود با شدت و قاطعیت ادامه داده ایم. فشارها از جانب کسانی است که منافعیشان و یا رفاهشان در رابطه با این سیاستها به خطر افتاده است ما توانستیم نرخ برنج سهمیه بندی شده بازار را نسبت به سال گذشته ۱۰٪ پایین تر از نرخ بازار آزاد حساب کنیم و طبق آمار بانک مرکزی برنج با قیمت ۱۰٪ ارزتر به بازار عرضه کرده ایم و اگر توجه کنید که نرخ تورم ۲۲/۵ درصد بوده قاعدتا بایستی قیمت برنج ۲۲/۵ درصد نسبت به سال قبل افزایش می یافت و اگر باجوبیات که دولت بر روی آن کنترلی نداشت مقایسه کنیم پی میبریم که قیمت برنج از چه قیمتی برخوردار میشد ما برنج را در یک سطح قیمت نگهداشتیم ولی طبیعی است که بازارش را محدود کنیم.

حال اگر بفرض به هرفر در ماه یک کیلو برنج برسد می تواند ۱۳ وعده در ماه غذایی همراه با برنج

س: تاثیر پیروزیهای ایران در رابطه با مسائل اقتصادی به چه صورت بوده است؟

ج: زوداست که در این زمینه قضاوت کنیم ولی مسلما پیروزی ما در صحنه های سیاسی و نظامی دولتهای جهان را وادار می کند تا تحلیل جدیدتری از انقلاب اسلامی بدهند و برخورد دیگری داشته باشند بعد از انقلاب در دوره ای که بسیاری از کشورها و خصوصا مستکبرین و ابرقدرتها و استعمارگران جهانی کمر به قتل و نابودی این انقلاب بسته بودند تا از رشد این نهال تازه رونیده و به ثمرنشتن آن جلوگیری کنند، طبیعی است که نه تنها از لحاظ سیاسی و نظامی بلکه از لحاظ اقتصادی نیز فشار زیادی را متحمل می شویم. البته در مراحل اول ابرقدرتها خصوصا امریکا سعی میکردند فشار اقتصادی بر ما وارد نیاورند زیرا میدانستند که این فشار برای ما سازنده خواهد بود امریکا برای اینکه جامعه ما را به یک جامعه مصرفی کالاهای خارجی تبدیل کند تلاشهای زیادی کرده بود و اصلا بالا بردن قیمت

✽ برای کنترل توزیع کالاهای وارداتی و همچنین کالاهای اساسی که در داخل تولید میشود لازم است طبق یک سیستم و طبق نظارت جمهوری اسلامی انجام شود تا آثار تورم و گرانی و مشکلات ناشی از این مهم برطرف گردد.

نفت در سالهای ۵۲-۵۴ به منظور تبدیل کشورهای نفت خیز به یک کشور مصرفی همانند امریکا و اروپا بوده است ولی این بسیار بدتر است که ما نفتمان را بدهیم تا یک جامعه مصرفی امریکا بشویم. همچنانکه شیخ نشینها و عربستان چنین وضعیتی دارند، امریکا که سابقا در این زمینه سعی زیادی کرده بود نمی خواست از حربه فشارهای اقتصادی استفاده کند زیرا همانطور که اشاره کردیم این حربه برای ما سازندگی داشت و امریکا این ساختن را خطرناک می دانست زیرا اگر ما بیاموزیم که بدون وابستگی و یا حداقل وابستگی به جنس خارجی همچنانکه خیلی از کشورها که نفت هم ندارند و در راستان رژیم انقلابی هم نیست اینگونه عمل می کنند می توان زندگی کرد بازگشت امریکا سخت تر از سخت میشود. لذا می بینیم که امریکا بعد از اشغال جاسوسخانه فشار اقتصادی را شروع می کند.

و در زمان دولت شهید رجایی به اوج میرساند و بعد از رفتن بنی صدر که تمام امید امریکا قطع شد

بقیه در صفحه ۶۱

مصرف کنند این برای اقشار مستضعف جامعه که سابقا ۵ وعده در ماه هم برنج مصرف نمی کرد خیلی طرح خوبی است ولی برای کسانی که می توانستند هر وقت و به هر میزان و به هر قیمت برنج تهیه کنندو مهمانیهای مقصبل به راه بیاورند و سوز بدهند برای آنها سخت و شاید ناراحت کننده باشد ولی برای آن قشری که اگر برنج کیلویی ۴۰ تومان میشد دیگر قادر به خرید حتی ۱ کیلو آن نبود این طرح برایشان مفید واقع شده است.

دسته سومی هم هستند که با این طرحها مخالفت می کنند اینها کسانی هستند که به لحاظ اعتقادی برداشتهای خاصی دارند. فکر می کنند که کوپنی کردن یا سهمیه بندی کردن یک کالا و با کنترل دولت بر توزیع و اصولا کنترل دولت در هر رابطه ای یک طرح کمونیستی است و مابه سمت کمونیزم، سوسیالیزم پیش میرویم. درحالیکه اصلا اینگونه نیست و این بحث چون گسترده شده برادرانمان حجه الاسلام هاشمی در خطبه های نماز جمعه شان بطور گسترده به آن می پردازند و من از اطاله کلام خودداری می کنم.

ستاد بسیج اقتصادی...

توطئه های دیگری را شروع میکند که هنوز هم ادامه دارد و این تا زمانی است که ابر قدرتها و قدرتهای استعماری از سرکوبی و نابودی انقلاب ما نا امید بشوند و بفهمند که انقلاب ما پایدار است، پس از آن سرکیسه را شل میکنند و به ما نزدیک میشوند. در این مرحله است که می بایست هوشیار بوده تا در دام اینها نیافتیم تا دوباره به یک جامعه مصرفی تبدیل نشویم من مطمئن هستم بعد از خاتمه جنگ حتما با حرکت های مثبتی از سوی کشورهای جهان به لحاظ اقتصادی نسبت به جمهوری اسلامی روبرو خواهیم شد. و می بایست با هوشیاری نسبت به این روابط برخورد کنیم تا در صورتیکه به نفع جمهوری اسلامی است این روابط گسترش یابند همینطور که الان مشغول هستیم.

س: آینده اقتصاد ایران را چگونه میبینید؟

من تصویر آینده اقتصادی جمهوری اسلامی را بسیار روشن میبینم. اولاً جامعه اسلامی آینده را یک جامعه قطب بندی شده نمی بینم جامعه دو قطبی که یک طرف فقر مطلق و در طرف دیگر غنای مطلق در یک طرف کاخ و در سوی دیگر کوخ. چرا که امام بارها این مسئله را مطرح کرده اند و بارها به کاخ نشینی حمله کرده اند و بارها مستضعفین را ولی نعمت خوانده اند. و بارها در این زمینه به مسئولین

مملکتی رهنمود داده اند. بنابر این خط اقتصادی جمهوری اسلامی در جهت پیاده کردن اقتصاد اسلامی، موازین شرعی اقتصاد اسلام بر جهت حمایت از مستضعفین است که آیندو با هم هیچ نوع تعارضی ندارد.

همانطوریکه گفتیم جامعه آینده اسلامی یک جامعه دو قطبی نیست که در آن فقر زیاد و غنای زیاد وجود داشته باشد. البته به یک جامعه قالبی بی طبقه مارکسیستی که البته خود مدعیان آن هم دروغ می گویند و در عمل به آن نرسیده اند و طبقات جدیدی را جایگزین طبقات سرمایه داری سابق کرده اند نیز اعتقاد نداریم. ما معتقدیم استعدادهای متفاوت انسانها در رشد آنها می تواند موثر باشد ولی این به آن مفهوم نیست که گودالهای نفوذ ناپذیری بیش اقشار مختلف مردم وجود داشته باشد.

از بعد فلسفی برنامه ریزیهای دولت کلا در جهتی است که تا حد امکان عدالت اجتماعی با معیارهای اسلامی در جامعه پیاده شود. و از بعد اقتصادی، ما به سوی اقتصاد مستقل و انشأ... خودکفا پیش خواهیم رفت. تا کتون بعلت توطئه های سیاسی و نظامی که بر علیه جمهوری اسلامی صورت گرفته است در طرف این سه سال فرصت برنامه ریزی که نداشته ایم و این از مهمترین مشکلات ماست. از اواخر دولت شهید رجائی این

برنامه ریزی در شکل ابتدائیش شروع شد و بعدها در زمان دولت حضرت آیه... مهدوی شکل واقعی کامل خودش را گرفت و از آن حالت مقدماتی درآمد و انشاء... از امسال با تلاشی که دولت، شورای اقتصاد و برادران مسئول در سازمان برنامه و وزارتخانه های ذیربط می کنند امیدواریم برنامه های اقتصادی جمهوری اسلامی بطور کامل تدوین شود. و انشاء... از امسال اقتصاد ما یک اقتصاد برنامه ریزی باشد. براساس این برنامه ها ما تا ده سال دیگر باید از نظر تمام محصولات کشاورزی مورد نیاز مردم یعنی کالاهای اساسی خودکفا شویم و در این زمینه برنامه ریزی هم وارد میشود. و تصمیم بر این است که از نظر صنایع تا ده سال دیگر به مرحله ای برسیم که صادراتمان مبتنی بر کالاهای ساخته شده داخلی باشد. و در ده سال اول طبیعتاً اتکاء ما به درآمد نفت خواهد بود زیرا تولیدمان در سطح بسیار پائینی است و در عین حال به هیچ عنوان نیابستی نفت را به عنوان تنها منبع درآمد تلقی کنیم ولی تا رسیدن اقتصادمان به آن حد از رشد مجبوریم که از نفت استفاده بیشتری بکنیم از ۵ سال بعد صادرات نفت ثابت می ماند و در ده سال آینده میزان صدور نفت آنقدر پایین می آید که انشاء... در آخر برنامه ۲۰ ساله ۱۰ یا ۱۵ درصد از صادرات ما را نفت تشکیل میدهد.

نقش انقلابی جهاد.....

مختلف با بازدهی تولیدی خاص و هزینه تولید خاصی صورت گرفته و آنها را می توان مورد مقایسه قرار داد.

در این تعریف:
۱ - بعلت اینکه رشد گیاهان و حیوانات مورد نظر است، پس «تولید» معنی و مفهوم پیدا میکند. چون در تولید محصولات مختلف کشاورزی جریانات تولیدی مختلف و نحوه جانشینی این محصولات در برنامه های تناوبی کشت و مسائلی از قبیل عرضه و تقاضا و مکانیسم بازار و در آمد و توزیع درآمد و سیستم مالیات و غیره مورد نظر است، بنابراین حاکمیت سیستم اقتصاد اسلامی در برنامه های تولید اجتناب ناپذیر است.

۲ - چون روی مزارع زارعین و دامداران (بعنوان اجرا کنندگان فعالیت های تولیدی) مشغولند، بنابراین در سطح کل جامعه، واحدهای کشاورزی (روستاها) و سایر مناطق بزرگ تولیدی، بدون وجود آنها تولیدی صورت نخواهد گرفت و برای افزایش میزان انگیزش جهت تولید بیشتر و مناسب تر غیر از وسایل مادی و مالی، به بعد معنوی آنها باید توجه بیشتری نمود. سپس اهمیت ایدئولوژی و تاثیر دین در فعالیت ها بسیار مهم

جهاد

مقصد دارد، جهت دارد و نهایتاً در راستای تکامل معنوی انسان باشد و در جهت «الله» باشد، آن علم سازنده و مطلوب بوده و در جامعه بر حسب نیاز مشروع خریدار خواهد داشت. ایدئولوژی اسلامی درست این مرز را روشن می کند.

برای جهادسازندگی که یک نهاد انقلابی برخاسته از متن و صحنه انقلاب اسلامی است در قبال فعالیتهای کشاورزی (علمی، آموزشی، تحقیقاتی و اجرایی) مسئولیتهای برجسته ای وجود دارد که از ایدئولوژی اسلامی ناشی می شود. انشاءالله در مقالات بعدی نشان خواهیم داد که هنگامیکه توسعه کشاورزی و در نتیجه افزایش سطح تولیدات محصولات مختلف و نهایتاً کفاتی و رونق مورد نظر باشد و سیاستهای کشاورزی خاصی در بالا بردن میزان رفاه زارعین و دهقانان دنبال گردد توضیح خواهیم داد که به سبب ظهور و وجود سیستم اقتصاد اسلامی و نهایتاً اهمیت ایدئولوژی اسلامی، جهادسازندگی، این نهاد انقلابی که در توسعه و اصلاح وضع کشاورزی روستاهای دورافتاده و سایر مناطق تولیدی حتی جان خود را نثار انقلاب می کنند، چگونه باید در مسائل کشاورزی و صنایع تبدیلی (وارتباط بین کشاورزی و صنعت) اقدام کنند تا ضمن اینکه اهداف مادی بدست می آید (افزایش تولیدات، درآمدها و غیره)، در حقیقت همهانگ با سیستم اقتصاد اسلامی نیز باشد. بواسطه السلام